

اصل ۴۴ محدود به خصوصی سازی نیست

بخش اول

گزارشی از برگزاری همایش علمی و کاربردی 'اصل ۴۴؛ موانع و راهکارها'

اشاره:

اصل ۴۴ قانون اساسی از جمله قوانین بسیار مهمی است که پس از انقلاب اسلامی مشوق سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی در عرصه اقتصاد ایران می‌باشد. گروه‌ها و جناح‌های مختلف هر کدام با ورود به این مقوله سعی دارند تا نظرات و دیدگاه‌های خود را در این خصوص بیان کنند و در این میان شاید بسیار کمتر از آن چیزی که باید، به منویات و خواسته‌های بخش خصوصی شامل تشکلهای تخصصی و صنعتی کارآفرینان بخش صنعت که در صف مقدم این اصل قرار دارند پرداخته شده است. و گویا مسائل سیاسی و جناحین امر مای و فراجناحی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و صف بندی روشنی بین صاحب‌نظران و مجریان این مقوله وجود دارد. با این حال اگر چه اصل ۴۴ قانون اساسی که مساله ملی و فراجناحی است و مسلماً تمامی جناح‌های سیاسی حتی اظهار نظر در این خصوص را دارند به نظر می‌رسد نظریات، اهداف و منویات؟ صنعت و تشکلهای صنعتی نیز در این میان مورد توجه ویژه قرار گیرد تا این اصل تعاملات سیاسی و جناحی نگردد.

این همایش پایان کار نیست

در ابتدای همایش - کاظمیان‌فر - مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه‌های استان تهران - گفت: بسیجیان باید به فکر ایجاد حکومت اسلامی جهانی باشند. همانطور که مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و جوانان فرموده‌اند وظایف سنگینی به عهده دانشجویان است، بسیج دانشجویی باید آرمان‌خواه باشد، عدالت‌خواهی را دنبال کند و به دنبال سعادت مردم بوده و قانون اساسی را مطالعه کند. کسانی که این فرمایشات را فرموده‌اند افتخار به بسیجی بودن دارند و آرزو دارند در آخرت با بسیجیان محشور شوند. ما در بسیج دانشجویی استان تهران احساس وظیفه کردیم در راستای تحقق چشم‌انداز بیست ساله که باید طی ۲۰ سال آینده در منطقه اول و در جهان از برترین‌ها باشیم تلاش کنیم و ساز و کار آن را در بسیج تعریف کرده‌ایم.

ما در بسیج، بسیجی را با چهار ویژگی و دو نقش تعریف کرده‌ایم که این ویژگی‌ها عبارتند از کسب معرفت، کسب بصیرت، کسب معنویت و مهارت؛ چراکه دانشجویان ضمن درس خواندن باید جای

خود را در آینده ببینند و اردوهای سازندگی کارگاه خوبی برای دانشجویان در این مسیر بوده است و از جمله نقش‌هایی که دانشجویی بسیجی باید داشته باشد، نقش عمومی است که همه دانشجویان می‌توانند آن را ایفا کنند و نقش دیگر اختصاصی است که براساس رشته هر دانشجو است. براساس این ویژگی‌ها، دانشجویان بسیجی احساس کردند که باید نقش خود را ایفا کنند و گروهی، دبیرخانه را تشکیل دادیم تا امروز به این همایش رسیدیم و اینجا پایان کار ما نیست؛ بلکه آغازی است و باید توسط دانشجویان پیگیری شود.

همانطور مقام معظم رهبری فرموده‌اند تلاش برای اجرای سیاست اصل ۴۴ جهاد است و باید بدانیم که در جهاد جای بسیج کجاست. چهار سال است که به حرکت خود ادامه می‌دهیم اما هنوز موفقیتی کسب نکرده‌ایم، شاید اگر همین طور ادامه دهیم در سال‌های باقی‌مانده به جایی نرسیم و این امر پسندیده نیست. بنابراین می‌خواهیم ظرفیت‌های دانشجویان را در اجرای این بخش در خدمت مسئولین قرار دهیم و در خدمت نظام باشیم. این بحث نیاز به آموزش دارد و چه کسی بهتر از دانشجویان که امروز به برکت نظام حدود چهار میلیون دانشجو داریم، بنابراین باید

اطلاع‌رسانی و تبیین کنیم مانند بحث هسته‌یی که آحاد ملت پشت دولت بودند و دشمن کوتاه آمد در این بحث نیز باید به این گونه عمل کرد. امیدوارم این همایش با برگزاری پرسش و پاسخ به نتیجه بهتر رسد و باید بگوییم که عدالت‌خواهی و آرمان خواهی همیشه با برخورد نفاذانه درست نیست و می‌توان در کنار اساتید و نخبگان برای اجرای این اصل راهکار پیدا کرد.

در هر صورت پیروز هستیم

پس از اتمام سخنان وی، نماهنگی از روند برگزاری همایش و جلسات مدیران اجرای همایش با دولتمردان و مسئولین اصل ۴۴ پخش شد و در ادامه سردار علی فضلی - چهره ماندگار ۸ سال دفاع مقدس - پس از قرائت دعای فرج گفت: باید حفظ بنیان‌ها و ارزش‌های انقلاب و سازماندهی ارتش ۲۰ میلیونی را براساس رسالت‌ها و مأموریت‌ها دنبال کنیم و در این میان نقش و رسالت آحاد بسیجیانی که در تمام عرصه‌ها و تحت دشوارترین شرایط دفاع از انقلاب سینه‌های خود را سپر کردند و از اسلام و انقلاب دفاع کردند امروز باید در میدان دیگری این احساس وظیفه و تکلیف را نشان دهند. امام خمینی (ره) فرمودند از باب ادای دین و تکلیف به جبهه‌ها آمده‌ایم

و شکست و پیروزی در این مسیر برای ما مهم نیست چون به تکلیف خود عمل می‌کنیم در هر صورت پیروز هستیم.

فریاد بلند صف شکنان را نشنیده ایم

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی - رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس مجلس خبرگان رهبری - سخنان خود را با این جملات آغاز کرد که انتظار می‌رفت عالمان بسیجی در اجرای فرمان رهبری و پیاده‌شدن مهمترین اصل سیاست‌هایی که امروز مورد نیاز ماست، پیش‌تاز باشند. گرچه این حضور با تأخیر صورت پذیرفت اما به هر حال حضور مبارکی است. انتظار دیگر من از همایش امروز، این است که علاوه بر حفظ روحیه شریف و صمیمی بسیجی، سعی کنید بحث اصل ۴۴ را به صورت آکادمیک و دانشگاهی پیگیری کنید، سوالات، جواب‌ها، مستندات و... عالمانه باشد تا به نتیجه‌گیری علمی دست پیدا کنید.

نکته اساسی این است که امروز باید در اداره کشور به اقیانوس عظیم ملت متکی شویم. کارهای بزرگ ما تا به حال با کمک مردم انجام گرفته است. اگر مردم نبودند انقلاب ما پیروز نمی‌شد. ما ۲۰ سال مبارزه و شکنجه و زندان را تحمل کردیم، طوری که سال‌های آخر نفس را از همه

گرفته بود، اما وقتی دو سال آخر مردم به میدان آمدند و مساجد و میدان‌ها با صدای الله‌اکبر مردم پر شد، رژیم طاغوت در هم شکست و نظام اسلامی جایگزین آن شد.

در دو سال اول انقلاب هم شورش‌هایی داشتیم که مردم توانستند برای کمک به میدان بیایند. در دفاع مقدس و جنگی که شرق و غرب و ارتجاع علیه ما لشکرکشی کرده بودند، اگر مردم حضور نداشتند، این جنگ برایمان قابل دفاع نبود؛ در واقع مردم در عملیات‌های مختلف در قالب بسیج، شکننده سد دشمن بودند.

پس از پیروزی انقلاب نقش نیروهای مسلح و سپاه در سازندگی کشور نقش بسیار بارز می‌شد و گرچه به ما انتقاد می‌شد و می‌گفتند شما نیروهای رزمی را به عرصه اقتصاد آورده‌اید، اما اگر آن‌ها نبودند بسیاری از کارها بسیار گران‌تر تمام می‌شد. در آن روزها جهاد سازندگی هم کل کشور را پوشش داد و وارد میدان شد.

از آن پس هر مشکل سیاسی که در کشور است با تظاهرات چند ساعتی مردم در خیابان‌ها حل شده، توطئه‌ها خنثی و آتش خاموش می‌شود و این گونه مردم نشان می‌دهند که با انقلاب هستند؛ پس چرا از این مردم خوب در سازندگی و اداره کشور استفاده نکنیم؟ چرا سرمایه‌ها به دویی برود و ساختمان ۱۰۰ طبقه از این سرمایه‌ها ساخته شود؟ چرا ما نتوانیم سرمایه بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلاری ایرانیان خارج از کشور را جلب کنیم و چرا از سرمایه‌های دنیا استفاده نکنیم؟

ما راه انجام همه این کارها را در اصل ۴۴ و سند چشم‌انداز باز کرده‌ایم. اگر کسی به آن عمل نمی‌کند و مانع اجرای آن می‌شود، چه کسی باید وارد میدان شود؟ چرا در این جهاد مقدسی که ما را از نفت منقطع می‌کند و به مقام اول ۲۸ کشور هدف در منطقه می‌رساند، حضورتان جدی نیست؟

من تا به حال درباره این مسأله فریاد بلندی از این نیروی صف‌شکن نشنیده‌ام، ولی امروز اولین فریادتان را می‌بینیم؛ گرچه نمی‌دانیم این فریاد بلند خواهد بود یا نه؛ امیدوارم با همان اراده مردانه و روحیه خداجویی بتوانیم این راه مقدس را بییماییم.

ما در اصل ۴۴ برای تعاونی‌ها منبع تعیین کردیم و گفتیم شرکت‌های بزرگ را که می‌فروشیم بخشی از درآمدش را باید به تعاونی‌ها اختصاص دهیم. شما باید بندهای مربوط به تعاونی‌ها را بخوانید و ببینید چقدر راهگشاست.

تاکید اول ما پیش از واگذاری بر آزادسازی بوده است. رهبری هم این بند را یک سال زودتر تصویب کردند. تاکید ما هم این است که میدان‌های انحصاری در اختیار بخش خصوصی یا تعاونی‌ها قرار گیرد، ثانیاً اگر مصوبات ما اجرا شده بود اکنون تعاونی‌ها مسلح به سرمایه بودند، بانک تعاونی که این قدر مورد تاکید ماست، تشکیل می‌شد. خوب است صریح باشیم و پاسخ این سوالات را بگیریم.

انتظار می‌رود بسیجیان در اجرای فرمان رهبری و

پیاده کردن مهم‌ترین اصل سیاست‌هایی که سخت مورد نیاز ماست، پیش‌تاز باشند. شما این نشست را گرچه با تاخیر برگزار کرده‌اید، اما ان‌شاءالله حضور مبارکی است و آن را پی‌گیری می‌کنید. انتظار من این است که علاوه بر روحیه بسیجی این بحث را به صورت آکادمیک و دانشگاهی پی‌گیری و مستندات عالمانه‌ای ارائه کنید تا نتیجه علمی دربرداشته باشد. اگر این همایش نتیجه علمی در

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام:

ما نمی‌خواهیم شرکت‌هایی را که در طول ۳۰ سال گذشته با تلاش دولت‌ها جمع و به یک قدرت اقتصادی تبدیل شده، به سادگی واگذار کنیم زیرا ثروت‌های ملی و دسترنج تعداد زیادی است که کار و جهاد کرده‌اند؛ البته مدیریت دولتی در مقابل مدیریت خصوصی کند است؛ زیرا قانون‌های دست و پاگیری برای جلوگیری از فساد وجود دارد. البته هدف ما اصلاح مدیریت بوده و نه جابجایی صرف؛ گرچه مجلس، قوه قضاییه و دیگران و ما می‌توانیم جزء متهمان باشیم که نظارت‌مان را خوب انجام نداده‌ایم

شما در این اجلاس باید بفهمید پس از چند سال بخش خصوصی چقدر وارد شده؟ اگر وارد نشده علت آن چیست؟ و اگر وارد شده چقدر به هدف نزدیک بوده است؟

باید ببینید چه کسی مقصر است. انتظار داریم این نتیجه به مردم گفته شود. اگر همه این کارها به خوبی انجام شده به همه ما تبریک بگویید، البته سیاست در این بحث به معنای سیاست‌بازی نباید دخالت کند. باید پاسخ این سوالات را عالمانه و نه طرفدارانه و عامدانه، پیدا کنیم.

بند دوم این مصوبه که اتفاقاً بسیج می‌بایست بیش از همه دنبال آن باشد، موضوع تعاونی‌هاست. در این بخش آمده که ۲۵ درصد اقتصاد کشور در پایان برنامه پنج ساله باید تعاونی باشد. حالا شما باید ببینید با توجه به این اعداد و ارقام در چهار سال اولی که از این برنامه گذشته ما در کجای آن قرار داریم؟ این بند کاملاً به محرومان، مستضعفان، نیروهای بی‌سرمایه و بدنه ۱۳، ۱۴ میلیونی بسیج مربوط است.

شما دانشجویان با همان لحن دانشجویی و دانشگاهی باید آزادانه، عالمانه و صریح موانع و راهکارها را بگویید و جامعه را هوشیار کنید؛ چرا

که این پیش‌تازی مقتضای حرکت بسیج است و سیاست‌بازی مناسب شما و نظام اسلامی نیست. قانون در هر صفحه‌ای مورد امضای مقام معظم قرار گرفته است، فرمان را فرمانده صادر کرده است و هیچ کس نباید تردید کند باید دنبال آن بروید.

ما راهکار جدیدی پیش‌بینی کردیم؛ زیرا تجربه تعاونی‌ها در گذشته نشان داده بود آنها نمی‌توانند در میدان رقابت موثر باشند و انگیزه‌های رقابت در بخش خصوصی در آن‌ها وجود ندارد و به همین دلیل پیشرفت نکرده‌اند. ما نوع جدیدی از تعاونی‌ها را تعریف کردیم. آقا هم آن را تایید کردند. این تعاونی چیزی شبیه شرکت‌های سهامی عام است که همه جامعه می‌توانند در واحدی سهم داشته باشند اما نه به قدری که حالت ثروت‌اندوزی به وجود بیاید تا تعاونی‌ها بتوانند از امتیازاتی که در قانون اساسی برایشان پیش‌بینی شده استفاده کنند.

شما باید با اطلاع دانشگاهی بپرسید که در چند سال گذشته چقدر از شرکت‌های سهامی تشکیل شده و ما به این اهداف مقدس رسیده‌ایم. رهبری بعد از گذشت مدتی از ابلاغ سیاست‌ها، رسوای سه قوه و مجمع به عنوان ناظر را دعوت کردند و گفتند من انتظار انقلاب اقتصادی از این سیاست‌ها داشتم؛ البته در آن جلسه هم تصمیماتی گرفته و حرکت‌هایی انجام شد؛ اما من که ناظر هستم می‌گویم حرکت هنوز به جایی نرسیده است.

ما نمی‌خواهیم شرکت‌هایی را که در طول ۳۰ سال گذشته با تلاش دولت‌ها جمع و به یک قدرت اقتصادی تبدیل شده، به سادگی واگذار کنیم زیرا ثروت‌های ملی و دسترنج تعداد زیادی است که کار و جهاد کرده‌اند؛ البته مدیریت دولتی در مقابل مدیریت خصوصی کند است؛ زیرا قانون‌های دست و پاگیری برای جلوگیری از فساد وجود دارد. البته هدف ما اصلاح مدیریت بوده و نه جابجایی صرف؛ گرچه مجلس، قوه قضاییه و دیگران و ما می‌توانیم جزء متهمان باشیم که نظارت‌مان را خوب انجام نداده‌ایم.

ابلاغ‌کننده سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اگر فرمانده شما هم نباشد، رهبرتان است و شما باید بیش از همه احساس وظیفه اجرایی داشته باشید. ان‌شاءالله که در این حرکت مبارک به سیاسی‌کاری و



«الف» یعنی جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛ سرمایه‌های سرگردان بین‌المللی به خصوص ایرانی‌های خارج از کشور که می‌بایست مورد استفاده قرار گیرد و هم چنین بند «ج» شامل فروش کارخانجات دولتی به ایرانیان می‌شود.

تصدی‌گری با حاکمیت فرق می‌کند و دولت نباید تصدی‌گر بوده؛ بلکه باید حاکم باشد، دولت باید اقتصاد را هدایت کند و به هدایت‌گر اقتصاد ملی تبدیل شود و در این رابطه سیاست‌های اصل ۴۴ می‌گوید که دولت نمی‌تواند در اقتصاد دخالت کند ولی باید آن‌را هدایت کند.

با توجه به این که سیاست‌های اصل ۴۴ هنوز در جامعه ما عمومی و تبدیل به فرهنگ نشده، بسیج می‌تواند در تبیین، توزیع و آگاهی‌بخشی به مردم از نخبگان و کارآفرینان گرفته تا توده جامعه نقش مهمی داشته باشد و بسیج نه تنها از قوای سه گانه بلکه باید از مردم هم بخواهد که در این امر همکاری و مشارکت کنند. بسیج از مردم بخواهد همانطور که وارد انقلاب و جنگ شده اند در اقتصاد هم وارد شوند.

بسیجی‌ها تنها نباید از سه قوه بخواهند؛ بلکه باید از مردم هم بخواهند که در صحنه بیابند. با توجه به این که دولت لایحه سیاست‌های اصل ۴۴ را تقدیم مجلس کرد و قانون هم تصویب شد، ما نیاز داریم که مردم به صحنه بیابند و این به صحنه آملن جهادی شود و این کار کمتر از جنگ و بیرون کردن شاه از کشور نیست و اگر این جهاد مهمتر از آن جهادها نباشد، کمتر از آن نیست.

این که در این کشور ۳۰ سال انقلاب شده و ما هنوز مشکلات داریم، آیا این کسر شان و شرمندگی برای ما نیست؟ بنابراین برای این که از این شرمندگی خارج شویم، می‌بایست که این امر جهادی شود و برای مبارزه با بیکاری، فقر و تورم، چه کسانی غیر از شما بسیجیان می‌توانند پرچمدار این جهاد باشند؟

این سیاست‌های اصل ۴۴ را تبدیل به یک انقلاب و جهاد کنید و شما می‌توانید مردم را به صحنه بیاورید و نگذارید که در این امر دولت، مجلس و رهبری تنها بمانند.

اولین جلسه تخصصی

پس از افتتاحیه رسمی همایش و یک استراحت کوتاه، نشست با حضور حجت الاسلام رئیسی-

خصوص در عرصه خارجی و حضور در صحنه‌های بین‌المللی بردارد، اما در بخش دیگر از جامعه یعنی بخش اقتصادی و علمی و فناوری عقب ماندگی‌هایی وجود داشت که نظام اقتصادی می‌بایست بازآرایی و عوض می‌شد تا بسترهای جدیدی برای ورود مردم به صحنه ایجاد شود.

مبانی سیاست‌های اصل ۴۴ در پنج مورد چشم‌انداز بیست ساله، قانون اساسی، تحقیق و پژوهش‌ها، نظریه اقتصادی و مبانی تجربی خلاصه می‌شود. چشم‌انداز بیست ساله این است که در سال ۱۴۰۴ ایران کشوری توسعه یافته با هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام و دارای رتبه اول در بعد اقتصادی، علمی و فناوری باشد که اقدامات اساسی نیز برای تحقق چشم‌انداز بیست ساله مواردی از جمله اصلاح نظام اقتصادی ایران، اصلاح نظام مدیریتی و... می‌باشد.

هم چنین مبنای دوم یعنی قانون اساسی دارای دو اصل یعنی یکی صدر اصل ۴۴ به این معنی که بخش‌های خصوصی و تعاونی مکمل بخش‌های خصوصی هستند و دومین اصل یعنی ذیل اصل ۴۴ بود که ذیل اصل ۴۴ مطرح می‌کند قانونی مورد حمایت قرار می‌گیرد که موجب رشد و توسعه بوده و معایر با اسلام و سایر بندهای قانون اساسی نباشد.

برای تعریف اقتصاد اجتماعی باید به رقابت فرآیندی دست می‌یافتیم که این رقابت باید در تمامی بازارها، فرصت‌ها و در تمامی منابع صورت گیرد و مردم باید به تمام بازارها و فرصت‌ها دسترسی داشته باشند و نتیجه این نظریه می‌تواند این باشد که باید در کنار نظم و حاکمیت سیاسی و دولتی یک نظم و حاکمیت اجتماعی شکل بگیرد و بر نظم سیاسی مقدم شود.

بند «الف» شامل محدودسازی دولت به اصل ۴۴ و آزادسازی اقتصادی، بند «ب» شامل توسعه تعاونی، بند «ج» شامل خصوصی‌سازی اقتصادی، بند «د» شامل الزامات کلی واگذاری و بند «ه» هم شامل الزامات اعمال حاکمیت می‌شود که در این خصوص بندهای دیگر غیر از بند «ج» ممکن است بیش از یک قرن در اقتصاد کشور حاکم باشند و به همین دلیل بندهای «الف» و «ب» مهمتر از بند «ج» است.

درباره فرصت‌های مورد استفاده دو امر شامل بند

به نفت بود که منبع تجدیدپذیری نیست، به زودی تمام می‌شود و باید وابستگی‌ها به تدریج کم شود تا بتوانیم بدون ذخایر نفتی کشور را اداره کنیم. این منطقی‌ترین و عادلانه‌ترین موضع است؛ زیرا نفت مال نسل‌های بعدی هم هست و باید آن را به ثروت بلندمدت دیگری مثل کارخانه‌های اشتغال‌زا تبدیل کنیم.

آقا در آن موقع گفتند آرزوی من این است جشن بستن آخرین چاه نفت را بگیریم، ما آن زمان می‌دانستیم که درآمد دولت از نفت تأمین می‌شود، به همین دلیل ۱۰ سال مهلت نوشتم تا هر سال ۱۰ درصد از وابستگی کم شود. از آن تاریخ نزدیک پنج سال می‌گذرد. سوال بزرگی که باید برای یک دانشجو، استاد و دانشگاهی وجود داشته باشد این است که چقدر این امر تحقق یافته است.

درآمد نفتی که در طول تاریخ بی‌سابقه بوده، چطور شده؟ آیا اینها را برای سازندگی خرج کرده‌ایم؟ این سوالات ربطی به باندبازی و سیاست‌بازی ندارد. اینجا میدان اجرای سیاست‌های رهبری است و باید به صورت روشن به این سوالات پاسخ داده شود. ممکن است بگوییم این دولت چند برابر دولت‌های گذشته واگذاری داشته و خصوصی‌سازی کرده، اما باید توجه کنیم دولت‌های دیگر ممنوع بوده‌اند، در حالی که دولت امروز مأمور به این کار است و این قیاس یک قیاس مع‌الفارق است، زیرا آنها حکم، دستور و وظیفه‌قانونی دارند که این کار را انجام بدهند. پس این مغالطه نباید انجام شود، زیرا زمان‌بندی خصوصی‌سازی‌ها مشخص است. من آرزو می‌کنم جواب تمام این سوالات مثبت و باعث سرفرازی همه ما باشد تا بتوانیم گام‌های بزرگی به سمت اهداف خود برداریم.

سیاست‌های اصل ۴۴ را تبدیل به یک انقلاب و جهاد کنید

دکتر محسن رضایی- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام- ابراز داشت: بسیج از پایان جنگ با تشکیل قرارگاه سازندگی کار خود را در پیشبرد اقتصاد آغاز کرد و می‌توان گفت که حتی سیاست‌های اصل ۴۴ را هم بسیج تهیه کرد؛ چون کسانی که در ابتدا این نقش را برعهده داشتند نیروهایی بودند که در جنگ و دفاع مقدس سابقه داشتند.

نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون توانسته گام‌های بلندی در حوزه‌های مختلف و به

کارشکنی مهمت نمی‌شود. می‌توانید بپرسید درآمد حاصل از واگذاری‌ها در کجا مصرف شده است، سوال بسیجی، دانشجو، استاد و کسی که می‌خواهد امر فرمانده‌اش را عمل کند، همین است. شما باید همین‌ها را بپرسید.

درآمد حاصل از واگذاری‌ها چهار مصرف دارد. یکی از آن‌ها تقویت تعاونی و اشتغال نیروهای نیازمند شغل و فاقد سرمایه است که این کار خود یک انقلاب بزرگ است. چرا بدنه بسیج اقدام به تشکیل این تعاونی‌ها نمی‌کند؟ این یک کار نظامی نیست، اگر تعاونی‌ها را تشکیل دهید می‌توانیم از این منبع برای انجام کارهای بزرگ استفاده کنیم. می‌توانید اتوبان بسازید، تا این همه کشته نداشته باشیم. می‌توانید نیروگاه بسازید تا قطع برق نداشته باشیم و می‌توانید زیرمجموعه‌های صنعت نفت را به دست بگیرید؛ چرا که آن جا هزاران صنعت پرسود قرار دارد است و در نهایت با این کار نقاط محروم می‌توانند ظرفیت خود را بالا ببرند تا تبعیض جغرافیایی به توازن عدالت‌خواهانه تبدیل شود.

چند سال پیش رهبری نامه‌ای صریح به ما نوشتند که در صدر اصل ۴۴ انحصاراتی است، ولی دولت‌ها تا به حال بسیار وسیع‌تر از این انحصارات در کارها دخالت کرده‌اند و بسیاری از کارهای عمرانی که دولت می‌کند در اصل ۴۴ انحصاری نیست. ایشان گفتند می‌خواهم دولت در غیر از صدر اصل ۴۴ دخالت و سرمایه‌گذاری نکند و این را به مردم واگذار کند.

در مجمع بحث و تبادل نظر صورت گرفت و متوجه شدیم که چنین بخشی آماده به کار نیست و اگر دولت این کارها را انجام ندهد بسیاری از امور مانند راه‌های روستایی، پل‌ها و صنایع خودرو سازی بلاتکلیف می‌مانند؛ لذا پنج سال مهلت خواستیم تا دولت سالیانه ۲۰ درصد واگذار و دخالتش را کاهش دهد. آقا راضی شدند و این امر را امضا کردند؛ اما سوالی پیش آمد که اگر بخش خصوصی وارد نشد کارها باید معطل بماند؛ لذا راه‌حلی نوشتیم که اگر بخش خصوصی نبود دولت می‌تواند پیشنهاد و مجلس تصویب کند اما اولویت با غیردولتی‌هاست.

سیاست دیگری که آقا بیش از ما بر آن تأکید داشتند و ما آن را تعدیل کردیم، بحث وابستگی



معاون اول رئیس قوه قضائیه - و دکتر محمد عباسی - وزیر تعاون - برگزار شد. حجت الاسلام ابراهیم رئیسی - معاون اول رئیس قوه قضائیه - گفت: امروز نظام به رهبری مقام معظم و مسئولین سه قوه و دلسوزان در بخش‌های مختلف، مصمم هستند به عنوان یک اراده ملی این تحول اجتناب‌ناپذیر و ضروری محقق شود. تحول اقتصادی امری نیست که فردی در هیچ رده کارشناسی و سلیقه سیاسی منکر آن شود زیرا ضرورتی غیرقابل اجتناب برای نظام مقدس ما محسوب می‌شود.

اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ به عنوان یک باور همگانی و مطالبه تمام لایحه‌های اجتماعی به خصوص از ناحیه بسیج، مورد پذیرش قرار دارد و می‌تواند به یک بار عمومی منجر شود. زمانی که سیاست‌های اصل ۴۴ به روسای سه قوه ابلاغ شد، نشستی با حضور مقام معظم رهبری و مدیران سه قوه برگزار شد. ایشان در این نشست نظرات خود را ارائه دادند و طی اعلام وظایفی که برای دستگاه‌های مختلف برشمردند، برای قوه قضائیه دو وظیفه اساسی را عنوان نمودند: ۱- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های مشروع ۲- تشکیل دادگاه‌های تخصصی.

با تشکیل کمیته پیگیری اصل ۴۴ و شرکت تمام دست‌اندرکاران، نسبت به بخش اول یعنی حمایت از سرمایه‌گذاری اقداماتی صورت گرفت. حمایت از سرمایه‌گذاری نیاز به ساز و کار مناسب دارد و صرفاً نمی‌تواند در تشکیل یک دفتر خلاصه شود. باید ساز و کارهای قانونی، صبغه حمایتی از سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذار در کشور داشته باشیم. این امر هم به قوانین و مقررات و هم به نحوه اجرا بستگی دارد.

ممکن است در آن دسته از قوانین و مقررات که باید مورد پیگیری و دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد تا سرمایه‌گذاری صورت گیرد، گره‌ها، نارسایی‌ها و مشکلاتی وجود داشته باشد این امر باید از طریق دستگاه‌های ذیربط دنبال شود. طبیعتاً قوه قضائیه وظیفه نظارتی و هم چنین وظیفه قضواتی را بر عهده دارد. در بخش نظارتی دستگاه‌هایی مانند سازمان بازرسی کل کشور یا دیوان عدالت اداری این وظیفه را بر عهده دارند لذا بخش حمایت از سرمایه‌گذاری سازمان بازرسی کل کشور در مرکز و استان‌ها فعال شده است.

کمیته‌های حمایت از سرمایه‌گذاری با شرکت دست‌اندرکاران و کمک طبلیدن از اتاق بازرگانی به اتاق تعاون (که در این دفتر عضویت دارند) راه‌اندازی شده است. اما این کافی نیست و باید ساز و کارهای حمایتی در بخش‌های مختلف مورد اصلاح قرار گیرند تا بتوان حمایت حقیقی از سرمایه‌گذاران و کارآفرینان را انجام داد.

در بخش دوم که عبارت از دادگاه‌های تخصصی است، یکصد نفر از قضات را از سراسر کشور مورد شناسایی قرار دادیم و برای آنها دوره آموزشی برگزار کردیم. امروز ابلاغیه قضاتی که در ارتباط با پرونده‌های اقتصادی مسئولیت دارند، صادر شده است به نحوی که ما دادگاه تخصصی رسیدگی

به پرونده‌های اقتصادی را خواهیم داشت منتها در کنار هر قاضی یک مشاور اقتصادی در نظر گرفته‌ایم به نحوی که در امر صادرات، واردات، نظام مالیاتی، نظام پولی بانکی و مباحث تجاری مشورت‌های لازم را به قاضی ارائه دهد تا وی بتواند پرونده را به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

انجام این موارد پیش از ابلاغ قانون برای ما

سیاسی جهان هم قبول دارند که این سیاست‌ها یکی از نکات تحول‌آفرینی اقتصاد ایران خواهد شد. قانون اساسی ما یکی از بی‌بدیل‌هاست و در حقیقت باید به تدوین‌کنندگان قانون اساسی کشور به خصوص شهید بهشتی تبریک گفت.

یکی از مواردی که در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته این است که اقتصاد باید به نحوی باشد که تکثیر ثروت در دست افراد یا گروه‌های خاص

وزیر تعاون:

اقتصاد دارای مولفه‌های مهمی چون رقابت و خصوصی سازی است و دولت باید زمینه لازم برای ورود مردم به صحنه اقتصاد را فراهم کند اما شرایط به گونه‌ای است که ۶۰ تا ۷۰ درصد جامعه را افرادی تشکیل می‌دهند که پولی برای سرمایه‌گذاری ندارند. اگر بنا باشد تکثیر ثروت رخ ندهد و دولت به کارفرمای مطلق تبدیل نشود باید دولت جهت توانمندسازی افراد کمک کند تا آنها وارد عرصه شوند.

میسر بود یعنی ما منتظر ابلاغ قانون از سوی قانونگذار نبودیم. نکته مهم این است که اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی فرآیندی است که همه باید در آن نقش ایفا نمایند. برای مثال در برخی از مقالات، اصل ۴۴ را مترادف خصوصی‌سازی عنوان می‌کنند در صورتیکه این طور نیست. یکی از بخش‌های اصل ۴۴، عبارت از خصوصی‌سازی است. تصور کنید تمام بخش‌های دولت به بخش خصوصی واگذار شود. در مراحل بعد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ تا وقتی به دنبال توانمندسازی بخش خصوصی نرویم، نمی‌توانیم مشکلات اقتصادی را برطرف سازیم.

نکته دیگر این که تصور می‌شود گسترش عددی و کمی تعاونی‌ها می‌تواند مشکل‌گشا باشد در حالی که امروز یکی از مهمترین پرونده‌هایی که در قوه قضائیه وجود دارد مربوط به بخش تعاونی است و این باید برای اجرای اصل ۴۴ نیز عبرت‌آمیز باشد. اگر در کنار خصوصی‌سازی نسبت به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت توسط دولت اقدام نشود، اتفاق جدی نخواهد افتاد. کما اینکه در قانون توسعه اول، دوم، سوم و چهارم از خصوصی‌سازی به عنوان یک ضرورت یاد شد اما تحقق نیافت. باید در این زمینه آسیب‌شناسی به عمل آورد که چرا علیرغم صراحت قانونی عمل اجرا نشده است؟ پیشنهاد می‌کنم اتاق فکر و جریان هدایتگر اجرای اصل ۴۴ شورای عالی نظارت باشد. فعال شدن شورای عالی نظارت، شورای رقابت، اجرایی کردن مواد قانونی اصل ۴۴ می‌تواند به پیشرفت تحول اقتصادی کمک کند.

مردمی کردن اقتصاد با خصوصی کردن اقتصاد اشتباه گرفته نشوند

دکتر محمد عباسی - وزیر تعاون - ابراز داشت: تدوین و ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ یکی از هوشمندانه‌ترین اقدامی بود که در تاریخ ایران صورت گرفت نه تنها ما بلکه ناظران اقتصادی و

قوانین‌گذار هم‌چنین به نحوی نباشد که دولت کارفرمای مطلق شود و تمام کارها را انجام دهد. یکی از دلایل ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ این است که تکثیر ثروت در اختیار افراد می‌بینم و دولت ۸۰-۷۰ درصد اقتصاد ایران را به دلایل متعدد در اختیار دارد. مقام معظم فرمودند: "دهه آینده متعلق به پیشرفت اجتماعی است" باید در همایش‌های علمی بحث و تبادل نظر صورت گیرد که چگونه می‌توان هم به پیشرفت دست یافت و هم عدالت اجتماعی تحقق یابد.

در بحث نظام بانکی به بیشترین وام‌ها (در حد میلیارد تومان) مربوط به تعداد محدودی افراد است. اما چه مسائل ساختاری موجب شده که در نظام بانکی این اتفاق رخ دهد یا عارضه‌های مشابه در نظام مالیاتی و سایر مسائل اقتصادی به وجود آید؟ البته می‌بینیم که به قانون اساسی مبنی بر بخش دولتی، خصوصی و تعاونی عمل می‌شود اما هنوز عدالت برقرار نیست. فاصله ۱۷ برابری میان دهک اول و آخر به عنوان شکاف طبقاتی و تعلق وام‌های میلیاردی تنها به تعداد معدودی از افراد در نظام بانکی نمودی از عدم برقراری عدالت اجتماعی است.

اقتصاد دارای مولفه‌های مهمی چون رقابت و خصوصی سازی است و دولت باید زمینه لازم برای ورود مردم به صحنه اقتصاد را فراهم کند اما شرایط به گونه‌ای است که ۶۰ تا ۷۰ درصد جامعه را افرادی تشکیل می‌دهند که پولی برای سرمایه‌گذاری ندارند. اگر بنا باشد تکثیر ثروت رخ ندهد و دولت به کارفرمای مطلق تبدیل نشود باید دولت جهت توانمندسازی افراد کمک کند تا آنها وارد عرصه شوند.

باید زیرساخت‌های عادلانه برای اجرای اصل ۴۴ فراهم شود. این قانون سیاست‌های کلی عدالت

همراه با رشد را مورد تأکید قرار داده و همچنین در این قانون بر ایجاد فرصت برای مردم به ویژه جوانان فارغ‌التحصیلی که توان حرفه‌ای و مالی زیادی ندارند تأکید شده است. مراحل توانمند سازی مردم برای ورود به عرصه اقتصادی باید انجام شود و تمام مواردی که بسترهای عدالت را تخریب می‌کنند جزو ماهیت سیاست‌های اصل ۴۴ نیستند.

فکر می‌کنم یکی از موارد مهم در سیاست‌های کلی اصل ۴۴، برداشت نادرست، بد جلوه دادن سیاست‌ها و اجرای نادرست آن است. اینکه اصل ۴۴ منحصر به خصوصی‌سازی است، برداشت نادرست از سیاست‌ها می‌باشد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مردمی کردن اقتصاد را عنوان می‌کند. مردم آزاد هستند و اگر می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند باید زمینه و بستر آن فراهم شود و مورد حمایت قرار گیرند.

اگر قرار باشد فرصت ایجاد کنیم، فرصت نیازمند توانمندی لازم است. به این امر در اصل ۴۳ که پیش زمینه اصل ۴۴ می‌باشد اشاره شده است که نظام باید برای کسانی که توانمندی لازم را برای جریان اقتصاد دارند اما پول در اختیار ندارند وام بدون بهره اختصاص دهد برای اینکه مراحل توانمندسازی انجام گیرد، دولت باید بانک‌های دولتی را واگذار کند و حق ندارد کار جدیدی را شروع کند. البته مقام معظم رهبری تأکید فرموده اند که دولت با هزینه خود "بانک توسعه تعاون" را جهت حمایت از تعاونی‌ها تأسیس کند که این امر استثنا است. باید معافیت مالیاتی به تعاونی‌ها داده شود و توانمندسازی مردم در قالب تعاونی‌ها انجام گیرد. نکته دیگر این که نباید مردمی کردن اقتصاد با خصوصی کردن اقتصاد اشتباه گرفته شوند.

حجت الاسلام رئیسی در تکمیل و جمع‌بندی این نشست که به دلیل کمبود وقت با خلاصه‌گویی سخنرانان همراه بود؛ گفت: یکی از حلقه‌های مکمل ایجاد امنیت اقتصادی برخورد با فساد اقتصادی و برخورد با عناصر فاسد است که می‌تواند در تمام بخش‌ها نقش داشته باشد. برخورد با قانون‌شکنان فضا را برای سرمایه‌گذاران قانونمند آرام می‌سازد پس ایجاد امنیت اقتصادی در گرو برخورد با فساد اقتصادی است.

نکته دوم ضرورت شفاف‌سازی قوانین و مقررات است. شفاف‌سازی حاکم بر این قوانین می‌تواند نقش موثری در جذب سرمایه و سرمایه‌گذار داشته باشد نباید در تولید حد و مرزی داشته باشیم.

دومین جلسه تخصصی

نشست تخصصی بعدی با حضور دکتر نجفی علمی - رئیس سازمان حسابرسی، دکتر قدمی - عضو هیأت علمی دانشگاه، عضو ستاد تحول اداری کشور و مشاور رئیس بانک مرکزی در امور راهبردی - دکتر ادیب - عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان - دکتر بهنام ملکی - اقتصاد دان و عضو هیأت علمی دانشگاه - دکتر جاسبی - رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر رحمانی‌نیا - دبیر کل اتاق تعاون - و دکتر غلامرضا حیدری کرد زنگنه - رئیس سازمان خصوصی سازی

ایران - برگزار شد.

دکتر نجفی علمی - رئیس سازمان حسابرسی و عضو هیأت علمی دانشگاه - گفت: پس از پیروزی انقلاب، نظام ارتش دگرگون شد، سران ارتش فراری شدند یا علاقهای به حکومت اسلامی نداشتند. ساواک که معتبرترین دستگاه امنیتی شاه محسوب می‌شد از بین رفت و بازمانده‌ها حلقه‌های مقاومت تشکیل دادند، تشکیلات پلیس هم دگرگون شد. سران ادارات و سازمان‌ها فراری شدند یا کنار نشستند. بسیاری از صاحبان کارخانجات از ایران رفتند و کارخانه‌ها را تعطیل کردند. در این شرایط که هیچ نگرانی جز خدا در کشور وجود نداشت، جنگ تحمیلی آغاز شد. باید گفت ایران را ابتدا خدا و سپس بسیج حفظ کرد. یعنی نیروی بسیج که ایثارگر، مقاوم، دلسوز، علاقه‌مند به اسلام و پیرو رهبر بود، وارد میدان شد. کسی تصور نمی‌کرد بسیج به شکل پر قدرت تبدیل شود و امروز در هر دانشگاه و تخصصی بسیج حرف نخست و موثر را بیان کند.

بسیج را حضرت امام خمینی (ره) تشکیل دادند و شهدای بسیاری هم تقدیم انقلاب نمود. حق بسیج می‌دانم که فرمان مطاع رهبر انقلاب را مطالبه کند که در این دوران به همان شکلی که هوشمندانه بسیج را به وجود آورد، هوشمندانه اصل ۴۴ را مطرح کردند. با همکاری مجمع تشخیص مصلحت نظام سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در سال ۱۳۸۳ تبیین شد که از ویژگی‌های مهم آن که چندان مورد توجه قرار نگرفته، آزاد سازی است یعنی بخش خصوصی آزادانه در نقاط پر سود به ویژه در بانک‌ها مشارکت اقتصادی داشته باشد اما به دلیل آن که در ساختار نگاه‌های اقتصادی دولتی مشکلات زیادی همچون پرسنل متعدد و مصرف بودجه بیش از حد افراد وجود داشت باعث شد که بخش خصوصی نتواند توانایی‌های خود را در این عرصه به نمایش گذارد و از سال ۱۳۸۴ تاکنون دیگر بانک خصوصی تأسیس نشده است.

سیاست کلی اصل ۴۴ یعنی یک دگرگونی بسیار بزرگ در ساختار فکر اقتصادی مردم، دولت و نهادها که کاری بسیار بزرگ است و همت بسیجیان استاید و دانشجو و کلیه صاحبان علم، فن و تجربه کشور را می‌طلبد که در این مسأله مهم همکاری کنند تا به یک سرانجام خوبی برسیم.

اهداف مندرج در اجرای اصل ۴۴ افزایش رشد بیشتر است. یعنی ما انتظار داریم با اجرای این اصل به رشد بیشتری دست یابیم. اگر چه ممکن است واگذاری بار اقتصادی دولت را کاهش دهد و ثروتی را آزاد کند اما اولین آثاری که انتظار می‌رود افزایش رشد و بهره‌وری است که ساختار بخش خصوصی بتواند رشد را افزایش دهد. ضمناً باید اجرای اصل ۴۴ دلبستگی مردم را افزایش دهد زیرا وقتی مردم مالک شدند توجه بیشتری نشان می‌دهند. همچنین افزایش اشتغال در صورت عملکرد صحیح تعاونی‌ها به وجود خواهد آمد. البته بخش خصوصی هم در خصوص اموری

که به آنها واگذار شده است آن طور که باید به مدیریت صحیحی نرسیده است و بخش خصوصی سرمایه دار کشور ما عمدتاً از بخش‌های بازرگانی داخلی هستند و کشاورزی نیز به روش سنتی از سوی دولت دنبال می‌شود. توانمندسازی بخش خصوصی مسأله بسیار مهمی است و باید برای آن باز شده و بتواند اعمال ریسک کند و امکان مشارکت در میدان‌های داخلی و خارجی سرمایه را داشته باشد. نباید از نظر دور داشت که ایران در منطقه آسیای جنوب غربی به عنوان پلی است که اکثر مبادلات کالایی کشورهای همجوار از مسیر ایران انجام می‌شود؛ این در حالی است که ترانزیت کالا در کشور ما نقش کمی دارد. در منطقه بازاری معادل دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر وجود دارد در حالی که مجموع واردات و صادرات ما به نسبت درآمد ملی سطح پایین است و سیاست‌های اصل ۴۴ آمده تا بخش خصوصی را توانمند کرده و بهره‌وری منابع را بیشتر کند.

اصل ۴۴ باید بخش خصوصی را توانمندتر کند و این امر یک برنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی است. یکی از مشکلات عمده ما این است که منابع را بسیار مصرف می‌کنیم و کمتر نتیجه می‌گیریم. بهره‌وری یک مسأله اساسی در رشد و تولید است. بر اساس پیش بینی برنامه چهارم توسعه زمینه رسیدن به سهم ۳۰ درصدی بهره‌وری باید فراهم شود اما حتی یک درصد هم انجام نشده است و علت آن وجود درآمدهای نفتی است و به نظر من کاهش این درآمد در حال حاضر نعمت بزرگی است تا به هدف اصلی اصل ۴۴ بیشتر نزدیک شویم. همچنین در راستای این اصل قرار است که پس اندازهای اندک و پراکنده مردم در بانک‌ها و تعاونی‌ها تجمیع شده و تصدی گریهای دولت کمتر شود. البته نباید مردم تنها از دولت انتظار داشته باشند بلکه خود نیز باید برای ورود به این عرصه تلاش کنند و دولت به سیاست‌گذاری و نظارت بپردازد.

نکته دیگر این که متأسفانه تاکنون به موضوع رقابت در داخل و خارج کشور زیاد عادت نکرده ایم در حالی که ورود به WTO نیاز به قدرت رقابتی بالایی دارد و در صورت عضویت در آن باید بتوانیم در عقد قرارداد با دیگر کشورها رقابت کنیم.

در برنامه چهارم توسعه، سرمایه انسانی به عنوان پایگاه دانش بنیان مورد تأکید قرار دارد. کشوری نظیر ژاپن که قطره ای نفت و یا معدن ندارد با پیشرفت سریع خود توانست به جایی برسد که درآمد ملی آن به اندازه تمام درآمد معادن نفت و گاز ایران تا ۳۰ سال آینده است پس بدین ترتیب باید ساختار کشور را به جای منابع به دانش تغییردهیم این در حالی است که همسایگان ما نیز همچون هند و چین رشد اقتصادی ۸ تا ۱۰ درصدی دارند.

واگذاری در سه مرحله پیش از واگذاری، حین واگذاری و پایان واگذاری تقسیم می‌شود. در این عرصه‌ها نهادهای مختلف باید با هم همکاری داشته باشند و به اطلاع رسانی دقیق به مردم

بپردازند زیرا در حال حاضر مردم تنها به خرید سهام می‌پردازند و وظیفه سازمان حسابرسی است که دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت‌های مشمول واگذاری را مستند سازی نمایند. می‌توان و نباید بخش خصوصی را رها کرد بلکه باید از این بخش مراقبت به عمل آورد.

آماده سازی برای واگذاری هم نکته مهم دیگری است. یکی از سازمان‌های موظف در این زمینه سازمان حسابرسی است. مردم ایران عادت کرده‌اند وقتی می‌خواهند کالایی خریداری کنند باید آن را لمس نمایند اما زمانی که اقدام به خرید سهام شرکت‌ها می‌نمایند، اطلاع ندارند که ما به ازای این سهم چیست. ما به عنوان سازمان حسابرسی باید نقش مهمی برای سازمان خصوصی سازی، بورس و دولت ایفا نمائیم تا مردم نسبت به خصوصی سازی دلگرم شوند.

در حال حاضر خصوصی سازی در کشور شتاب گرفته است و این روند باید منطقی پیش رود زیرا سرنوشت آینده کشور به آن وابسته است. پس از انجام واگذاری‌ها باید شرایطی انجام شود که مردم به خریدهایی که کرده اند دلگرم شوند و از بابت ریسک خود ناپود نشوند. مانند شرایطی که در فرانسه به وجود آمد؛ در نظام بانکداری فرانسه مردم به مدت ۵۰ سال از بانک‌ها دور شدند زیرا یک بار مشارکت کرده و ضرر کردند.

پیشنهاد می‌کنم گروه‌های علمی متشکل از دانشگاهیان تشکیل شود و بخشی از وجوهی که دولت از بابت خصوصی سازی به دست می‌آورد در اختیار آنها قرار گیرد تا گام به گام خصوصی سازی را پیگیری و راه‌حل‌ها، پیشنهادات و مشکلات را مورد شناسایی قرار دهند.

برون‌سپاری در سازمان‌های یکپارچه جهانی

دکتر قدمی - عضو هیأت علمی دانشگاه، عضو ستاد تحول اداری کشور و مشاور رئیس بانک مرکزی در امور راهبردی - گفت: در سیاست‌های کلی اصل ۴۴، برون‌سپاری تحت عنوان انواع واگذاری تعریف شده است. به نظرم بسیج راهی که کشور امروز به آن نیاز دارد را شناخته است یعنی "ورود به یک عرصه محتوایی و کیفی‌تر در ساخت آینده کشور" بنابراین بهتر است واژه را عام تصور کنیم و به جای بسیج دانشگاهی، عبارت "بسیج دانایی" را مورد استفاده قرار دهیم.

برون‌سپاری موضوعی است که مورد توجه جهانیان قرار دارد به همین دلیل دانایان عالم به تدریج جای زورگویان عالم را می‌گیرند. امروزه اگر شاخص‌های رشد به ویژه شاخص‌های کیفی رشد، مورد بررسی قرار گیرد، ملاحظه می‌کنید دیگر اروپا و آمریکا سردمدار نیستند در واقع کشورهایی که خود را حول محور دانایی سامان داده‌اند؛ کشورهایی هستند که در این حوزه‌ها، توانمند هستند. مانند کشورهای آسیای جنوب شرقی، اروپای شمالی و سایر کشورهایی که به سرعت از راه می‌رسند و بازارهای جهانی را با بازارهای دانشی خود کامل می‌کنند.

دو کشور هند و چین حدود ۳۰ درصد فناوری کل دنیا را از طریق برون‌سپاری تأمین می‌کنند



به طوری که امروزه اگر کسی در کشور انگلستان با شماره تلفن ۱۱۷ تماس بگیرد فردی که مشکلات وی را مرتفع می‌سازد در هند حضور دارد. به عبارت دیگر هند تمام تعامرات مخابراتی یک کشور جهان اول مانند انگلستان را متعهد شده و به بهترین نحوه انجام می‌دهد.

سازمان ملل متحد، ۴ نوع مالکیت و مدیریت را به طور مستمر تعریف کرده که عبارت است از:

مالکیت و مدیریت خصوصی

مالکیت دولتی و مدیریت خصوصی

مالکیت و مدیریت دولتی

مالکیت خصوصی و مدیریت دولتی

حداقل در دو بخش ابتدایی به راحتی می‌توان پیرو

اصل ۴۴ مفهوم را منتقل سازیم. شاید مهمتر از انتقال مالکیت، انتقال نوع مدیریتی است که اثر بخشی را به دنبال دارد یعنی انتقال مدیریتی که روان سازی را به دنبال می آورد و شفاف سازی را به وجود می آورد. تا شفاف سازی صورت نگیرد عملیاتی سازی آن امکان پذیر نیست. بنابراین در این حوزه‌ها اگر بتوانیم با یک قالب کلی که از نگاه تطبیقی ما حاصل از مطالعات جهان به دست می‌آوریم، خود را سامان دهیم و محتوای خود را تعریف کنیم اتصال بسیار خوبی میان مفهوم اصل ۴۴ و ارزش محوری که امسال مقام معظم رهبری برای کشور مشخص کرده‌اند (یعنی نام نوآوری و شکوفایی) ایجاد خواهیم کرد.

در هزاره سوم دنیا به این توافق رسیده که می‌توانید محتوا را خودتان تعریف کنید، ارزش‌های اسلامی و ایرانی بسیار با ارزش هستند و با ارزش‌های موجود در سایر ملت‌ها متفاوت است. در مدیریت دانایی ۲ استراتژی مادر تعریف می‌شود:

۱- اقتباس یا تقلید خلاق

۲- نابودی خلاق

بسیاری از داشته‌های گذشته به منزله سم است. ما با ساختار وظیفه‌ای و ساختاری که انسان را در یک قوطی قرار می‌دهد؛ هرگز نمی‌توانیم به نوآوری دست یابیم اصولاً چگونه می‌توان در این ساختار نوآوری و خلاقیت داشته باشیم؟ ساختار فرایندی، ساختاری است که می‌تواند انعطاف را ایجاد کند. بنابراین در حوزه‌های متعدد باید وارد شویم. حوزه‌هایی که به ما کمک کند تا بتوانیم به تحقق این اهداف دست یابیم.

هنوز در بسیاری از کشورها مفهوم واگذاری یا خصوصی سازی این است که هزینه‌ها را کاهش دهیم. در بسیاری از جایگاه‌های سازمانی کشور این امر عملاً به کاهش هزینه منجر نشده است. کیفیت کار بعضاً افت پیدا کرده است. ریسک را ما می‌پذیریم و پاداش را برون سپار دریافت می‌کنیم. بنابراین در دنیای امروز وقتی در مورد خصوصی سازی و برون سپاری صحبت می‌کنیم راجع به شبکه‌هایی سخن می‌گوئیم که دانایی را تسهیل می‌کنند که این نسل سوم مدیریت دانایی است.

حق نداریم هیچ‌گاه از نوسازی و نوآوری غافل شویم. در حقیقت نوآوری یعنی یک فرایند پایان‌ناپذیر. اما اگر می‌خواهیم سازمان‌های خود را در راستای قرار دهیم که به عنوان سازمان‌های یکپارچه عمل کنیم چه نیازمندیهایی برای کسب موفقیت لازم است؟ اولین بحث این است که می‌توانیم از مهارت‌های حرفه‌ای در سطح جهانی استفاده کنیم. دوم اینکه می‌توانیم هم‌افزایی ایجاد کنیم همان اصلی‌ترین شعار پس از انقلاب یعنی "وحدت" زیرا وحدت عامل هم افزایی، وفات، هم‌سویی و یادگیری است.

نکته دیگر اینکه امروز بحث سازمان‌های بدون مرز مطرح است و اینکه ریسک را همه با هم دیگر بپذیریم. اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان برون سپاری سنتی (دهه ۱۹۹۰) و برون سپاری نوین انجام دهیم باید گفت هدف از برون سپاری سنتی

کاهش هزینه‌ها از طریق ایجاد ارزش است در حالی که امروز به تمامی ابزار و انسان‌ها به عنوان منابع هزینه‌ای نگاه نمی‌کنیم. نکته بعد این که ارزش‌های اصلی ما ارزش‌های اقتصادی نیست. اصلی‌ترین ارزش ما اعتلای انسان‌هاست. ۷۵ میلیون نفر اگر روزی به دانایی و ارزش مجهز شدند دیگر هیچ نگرانی نخواهیم داشت.

عرصه سنتی به دنبال اعداد و ارقام است اما عرصه جدید به دنبال تغییر کسب و کار و نوآوری می‌باشد. یک شرکت جهانی مانند "نوکیا" (که حدود ۳۳ درصد مراکز آموزشی کشور فنلاند را از طریق منابع مالی خود ایجاد کرده است) در

دبیر کل اتق تعاون:

چه اقداماتی در جهت اجرای اصل ۴۴ صورت پذیرفته است؟ قرار است تا پایان سال ۱۳۹۳ در کشور تحول ایجاد شود. برخی مسئولین مطرح می‌کنند با وجود اصل ۴۴ در کشور شاساسی را با بیان چند کلمه و لفظ کمرنگ می‌کنیم و سپس به فراموشی می‌سپاریم؟ اگر معنای انقلاب را تحول می‌دانیم آیا در حال حاضر تحولی را می‌بینیم و لمس می‌کنیم؟

سربازان واقعی مقام معظم رهبری موضوعی که خوب طرح شده و به قانون تبدیل شده را عملی سازند اما بویی در کشور به استشمام می‌رسد که ظاهراً قرار است این اصل هم مانند سایر قوانین کشور به تدریج رنگ عادی و روزمره به خود بگیرد، گویی آن بحثی که مقام معظم رهبری داشتند و فرمودند: نسخه شفا بخش اقتصاد کشور در تحقق اصل ۴۴ است بعضی‌ها نمی‌خواهند به خوبی اجرا نمایند.

اقتصاد کشورمان در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی در قانون اساسی به عنوان قانون مرجع کشور تقسیم شده است. تعاون یکی از موضوعاتی است که در قانون اساسی مورد اشاره قرار دارد. انصافاً معمار اصلی تعاون در پس از انقلاب یعنی شهید بهشتی به خوبی بحث تعاون را در قانون اساسی گنجانده و پس از آن مقام معظم رهبری بسیار هوشمندانه و به موقع این اصل مغفول مانده را زنده کردند و در همان هشدار باش که به مسئولین و نظام داشتند؛ به بحث تعاونی نیز اشاره فرمودند.

از ابتدا تا انتهای اصل ۴۴ که ۹۱ ماده است، برای هیچ کدام از این روش‌ها به جز تعاونی مقام معظم کمیته ای را معرفی نکرده‌اند. تنها در بحث تعاون است که فرمودند "دولت مکلف است عمل‌ها و اقداماتی را انجام دهد که سهم بخش تعاون در اقتصاد به ۲۵ درصد ارتقا یابد." بنابر این هم در قانون اساسی هم در مقام صحبت‌های مقام معظم رهبری به عنوان کسی که تمام امور کشور را رصد می‌کنند این نکته وجود دارد که مسیر توسعه کشور حتماً از اصل ۴۴ عبور می‌کند پس این اصل نباید مانند سایر قوانین پس از مدتی مشمول

مرور زمان شود.

همانطور که مقام معظم فرمودند "پیگیری سیاست‌های اصل ۴۴ یک نوع جهاد است" پس همه بسیجیان باید وارد این قضیه شوند تا از مزایای امتیازات معنوی این جهاد بهره‌مند شوند بهتر است از امروز به اصل ۴۴ با نگاه "قانون مادر" یاد کنیم زیرا اگر قانون اساسی به عنوان اساس کشور مستثنی قرار دهیم جا دارد که به قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴، قانون مادر بگوئیم آن زمان هم تکلیف برای ما روشن است و هم برای مجلس و دولت که مجری این سیاست‌ها خواهند بود.

یکی از مطالباتی که همایش امروز باید داشته باشد این است که چه اقداماتی در جهت اجرای اصل ۴۴ صورت پذیرفته است؟ قرار است تا پایان سال ۱۳۹۳ در کشور تحول ایجاد شود. برخی مسئولین مطرح می‌کنند با وجود اصل ۴۴ در کشور انقلاب اقتصادی رخ داد اما کدام انقلاب؟ چرا ما مسائل اساسی را با بیان چند کلمه و لفظ کمرنگ می‌کنیم و سپس به فراموشی می‌سپاریم؟ اگر معنای انقلاب را تحول می‌دانیم آیا در حال حاضر تحولی را می‌بینیم و لمس می‌کنیم؟ پس ما تحول و انقلاب اقتصادی را زمانی محقق شده می‌دانیم که اصل ۴۴ به صورت جامع و کامل در کشور اجرا شود. یعنی اگر دست‌اندرکاران و دولتمردان توانستند مطابق ۹۱ ماده اصل ۴۴ نمره قبولی از ملت و مقام معظم رهبری بگیرند آن زمان می‌توان گفت انقلاب اقتصادی با موفقیت در کشور انجام شده است.

در بخش غیردولتی، بسیج به عنوان چشمان بیدار انقلاب باید تلاش کند اصل ۴۴ عملی شود. همانطور که مقام معظم فرمودند "اصل ۴۴ تحول آفرین است مشروط بر آنکه به خوبی اجرا گردد." اصل ۴۴ عدالت آفرین است مشروط بر آنکه دقیقاً مفاد آن عملی شود، مگر دنبال عدالت و تحول نیستیم؟ تمام این موارد در اصل ۴۴ نهفته است اگر وارد بخش تعاون شویم تا پایان سال ۱۳۹۳ اقرار است ۲۵ درصد محقق شود. این هم دستور مقام ولایت و هم قانون است. یکسال آن گذشت یعنی به طور متوسط ۶ سال آینده باید بتوانیم ۲۵-۳ درصد رشد داشته باشیم. دو ماه پایان سال ۱۳۸۷ حال و هوای انتخابات ریاست جمهوری پررنگ تر می‌شود، ۶ ماه بعد هم که صرف انتخابات و تشکیل کابینه وزیران می‌شود و به همین ترتیب دو سال به اتمام می‌رسد آیا در چهارسال آینده می‌توانیم سهم تعاون را به ۲۵ درصد ارتقا دهیم؟ اینجاست که سربازان واقعی ولی فقیه باید از فرصت‌ها هوشمندانه مراقبت کنند زیرا این فرصت دیگر تکرار نمی‌شود.

در حال حاضر تکلیف روشن شده است لذا با توجه به فضای خوبی که در کشور جهت اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ ایجاد شده و کار بسیار خوبی که در پیش گرفته‌اید، امیدوارم همه با هم پیگیر اجرای اصل ۴۴ باشیم، اما از دو نهاد گالایه دارم. نخست صداوسیما. این سازمان در تمام موضوعات به جز اصل ۴۴ وارد می‌شود. در این مدت سازمان صدا و سیما فعالیتانی انجام داده





فضای نامناسب کسب و کار
مشکلات ساختارهای دولتی مانند پرسنل مزاد،
فروگذاری ماشین آلات، سوددهی پایین
نداشتن بازار کارآمد سرمایه (بازار بورس نیز
پیشینه چندان درخشانی ندارد)
کم‌ثباتی در سیاست‌ها، (دولتمردان سیاسی دیدگاه‌های
اقتصادی متفاوتی دارند)
تلفی مشترک از بخش خصوصی وجود ندارد.

نگرانی کارکنان از آینده شغلی خود
مسائل کارگری و کارفرمایی که در این رابطه
وجود دارد و ابهاماتی که ناشی از نبود اطلاعات
و شفافیت لازم است و عدم شکل‌گیری بخش
خصوصی توانمند، قطعاً از نارسایی‌هایی است که
خصوصی‌سازی را با مشکل
روبرو ساخته است. علاوه بر
این‌ها، عده‌ای تصور می‌کنند
در فرآیندهای خصوصی
سازی ممکن است حقوق بیت
المال رعایت نشود. همچنین
مقاومت پیدا و پنهان مدیران
دولتی و نگرانی از مصرف
درآمدهای حاصل از واگذاری
وجود دارد.

برای برون رفت از مشکلات
فوق راهکارهایی ارائه می‌شود؛
باید فضای همگانی برای پذیرش فرهنگ
خصوصی‌سازی و تقویت مالکیت خصوصی توسعه‌گرا
بوجود آید. حمایت جدی نهادها باید وجود داشته
باشد. سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه و همچنین
رسانه‌های جمعی باید شرایطی را فراهم کنند تا
مالکیت بخش خصوصی نهادینه شود. علاوه بر آن
بستر مناسب برای توسعه صنعتی و فناوری‌های
نوین فراهم شود.

اقتصاد ملی از نظام بحث اداری فاصله بگیرد،
حمایت منطقی از تولید انجام شود (در مقابل
واردات). باید اجزای قانون خصوصی‌سازی که
به تصویب رسید و ۵ ماهی از ابلاغ آن می‌گذرد
کامل شود و به مرحله عملیاتی برسد. باید سرعت
قابل قبولی در فرآیند خصوصی‌سازی‌ها صورت
گیرد و تحول اقتصادی به وجود آید. اصل ۴۴ باید
کشور را به چشم‌انداز ۲۰ ساله نزدیک تر سازد و
در کنار آن باید نگاه‌های اقتصادی محصول خود
را در معرض نیروهای بازار قرار دهند.

باید خصوصی‌سازی مدیریت صورت بگیرد و در
مواردی که فضا برای واگذاری مناسب نیست
حجم سنگین دولت کاهش پیدا کند. علاوه بر
این، خصوصی‌سازی مدیریت‌ها باید پنج ساله
باشد زیرا کمتر از این مدت ممکن است خسارتی
به بار آورد. باید اولویت با تعاونی‌های تخصصی
کارآفرینان باشد و استفاده موثرتری از افراد
متخصص صورت گیرد.

همچنین فناوری اطلاعات در خدمت این فرآیند
باشد. یارانه‌ها باید هفتمند شوند تا امکان
حذف قیمت‌های مصنوعی به وجود آید. پذیرش
قیمت‌گذاری از طرف بازار، دولت، مجلس و مردم
باید پذیرفته شود. شاخص‌های کسب و کار ارتقا

بدهی دارد و نمی‌تواند از این وام استفاده کند. به
همین دلیل تفاهم‌نامه‌ای میان اداره کار و بانک
مرکزی امضاء شد که تا ۸ هزار میلیارد تومان این
بدهی را سازمان تامین اجتماعی خریداری کرده
و با واسطه از بانک‌ها به این سازمان منتقل شود
این بدین معنی است که عمده صنایع این بدهی
را به سازمان تامین اجتماعی نمی‌تواند بپردازند و
سازمان مالک صنایع خواهد شد.

دبیر اتاق تعاون خواستار ۲۵ درصد سهام شدند
سوال این است که صندوق‌های تعاونی، تا ۵۰
میلیارد تومان موجودی در حساب‌های خود دارند
که بدین گونه برای رسیدن به سهم ۲۵ درصدی
در اقتصاد با کلماتی خشن دولت را زیر سوال

عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان:

**دبیر اتاق تعاون خواستار ۲۵ درصد سهام شدند سوال این است که
صندوق‌های تعاونی، تا ۵۰ میلیارد تومان موجودی در حساب‌های خود
دارند که بدین گونه برای رسیدن به سهم ۲۵ درصدی در اقتصاد با
کلماتی خشن دولت را زیر سوال قرار می‌دهند. شما سهام را نمی‌خرید
بلکه آن را رایگان می‌خواهید!**

قرار می‌دهند. شما سهام را نمی‌خرید بلکه آن را
رایگان می‌خواهید!

خصوصی‌سازی اصل ۴۴، موانع و راهکارها
دکتر بهنام ملکی - اقتصاددان و عضو هیئت
علمی دانشگاه - گفت: خصوصی‌سازی به معنای
فعال‌سازی نیروهای بخش مردمی با هدف
افزایش تولید و کاهش قیمت تمام شده و رقابت
کردن اقتصاد است. هدف خصوصی‌سازی این
است هزینه مدیریت ناکارآمد بخش عمومی
را از بودجه کل کشور جدا کند اما طبیعی است
خصوصی‌سازی در ایران با مشکلاتی روبرو بوده
است و خوشبختانه در دو سال اخیر با ابلاغیه
مقام معظم رهبری و بازنگری که در اصل ۴۴
قانون اساسی داشتند یکی از مهمترین اشکالات
قانونی که در این رابطه مطرح بود را مرتفع
کردند.

نارسایی‌های موجود در مسیر خصوصی‌سازی
عبارتند از:

روحیات نفت‌زدگی که همچنان بر اقتصاد کشور
حاکم است
مقررات قیمت‌گذاری
انتظارات نامعقول از بخش دولتی و خصوصی
نبود ساز و کار قیمت‌ها
عدم انجام آزادسازی کامل
اجرا نشدن قانون لغو انحصارات
عدم تشکیل شورای رقابت طبق قانون
خصوصی‌سازی

گسترش وسیع مداخله‌های دولت و مدیریت‌های
نامناسب
نبود تضمین‌های فرهنگی و حقوقی لازم در
خصوصی مالکیت فردی

است؟ گلایه دوم از مطبوعات است که منتسب
به رهبری هستند و بودجه آنها دولتی، شخصی و
خصوصی نیست. آنها هم در این مدت بسیار اندک
وارد مقوله اصل ۴۴ شده‌اند در صفحات اول هر
موضوعی را به عنوان مقاله می‌نویسند (که البته
بجاست) اما بهتر است در پرداختن به بحث اصل
۴۴ پیش قراول باشند و سایر رسانه‌ها و مطبوعات
را در این راستا به حرکت وا دارند.

موانع و فرصت‌های پیش روی اصل ۴۴

دکتر ادیب - عضو هیئت علمی گروه اقتصاد
دانشگاه اصفهان - اظهار داشت: سقوط ۶۰
درصدی شاخص‌ها در خارج از کشور، باعث شده
که صنایع در خارج از ایران ۶۰ درصد سود کمتری
به صاحبان سهام
بدهند و بدین
ترتیب کالا ارزان‌تر
تولید بشود سهام در
ایران نیز ۲۵ درصد
سقوط داشته و اگر
رشد ایران را یک
سید ملی بدانیم
صنایعی که کالا را
ارزان‌تر تولید می‌کنند
وارد کشور شده و
بدین ترتیب صنایع

داخلی تعطیل می‌شوند حالی که اگر سهام ما
همزمان با سهام خارج سقوط نکند کالاهای ما
گران شده و دیگر خریداری ندارد. در حال حاضر
با سقوط شاخص‌های جهانی ارزش سهام چین ۸۰
درصد سقوط داشته و به همین دلیل کالاهای
چینی ارزان‌ترین کالاهای دنیا شده‌اند.

شاخص قیمت کالاهای صنعتی در منطقه دلار
در هفته گذشته نسبت به سال قبل ۳۵ درصد و
در منطقه یورو ۱۳ درصد کاهش داشته است اما
به دلیل رشد نقدینگی نمی‌توانیم همگام با دیگر
کشورها قیمت‌ها را کاهش دهیم و این تناقض باید
به کمک اصل ۴۴ حل شود.

از صنعت می‌خواهیم که ارتقای بهره‌وری‌اش را به
۲۴ درصد برساند و این انتظار ۱۰ ساله ماست زیرا
۱۰ سال است که نرخ ارز را ثابت نگه داشته‌ایم
اما در داخل همچنان تورم وجود دارد و اگر یک
سال دیگر این روال تکرار شود که با ۱۵ درصد
تورم همچنان فقط یک درصد نرخ ارز افزایش
یابد اتفاقات ناخوشایندی پیش می‌آید.

نرخ بهره باید با تورم تناسب داشته باشد و اگر
تسهیلات کمتر از آن باشد این اختلاف رانت
محسوب می‌شود. این در حالی است که تورم در
کشور ۲۹/۵ درصد و تسهیلات تنها ۱۲ درصد
است. در شرکت‌های بورسی نسبت داری به
بدهی، ۷۰ درصد است و اگر در ایران سهام ۶۰
درصد سقوط کند این نسبت بر هم خورده و نسبت
بدهی بیش از داری می‌شود و انتقال مالکیت
رخ می‌دهد.

با وجود آنکه دولت خط اعتباری ۶ میلیارد تومانی
را در اختیار صنعت گذاشت اما وزارت کار اعلام
کرد که ۱۴۰۰ کارخانه به میزان هشت هزار تومان

پیدا کند. ارتباط میان مدیریت تعاونی‌های فراگیر
برقرار شود و امنیت برای واگذارکنندگان به وجود
آید. خصوصی‌سازی فرهنگ هم باید بیش از
گذشته مورد توجه قرار گیرد که نمونه آن می‌توان
از "آموزش عالی غیر دولتی" نام برد و اجرای
قانون مالیات بر رانت‌ها یکی از راهکارهایی است
که می‌تواند اجرای لغو انحصارات را تضمین
کند.

تبعیض برای چیست؟

دکتر جاسبی - رئیس دانشگاه آزاد اسلامی -
نیز ابراز داشت: یکی از پیامدهای نامطلوب
دولت‌گرایی کسری بودجه ناشی از زیان‌دهی
واحدهای اقتصادی دولتی است که در این
رابطه می‌توان گفت شرکت‌های خصوصی
وقتی زیان می‌دهند خود باید تاوانش را بدهند
و دولت و بیت‌المال مسؤلیتی برای جبران آن
ندارد، اما در بخش دولتی وقتی که زیان داده

می شود دولت برای اینکه آن بخش تعطیل نشود از بودجه کشور استفاده می کند و این دلیل اصلی کسری بودجه به حساب می آید. از پیامدهای نامطلوب دیگر دولت گرایی، تبدیل بدهی های خارجی شرکت های دولتی به بدهی دولت است چراکه اگر موسسه خصوصی بدهی خارجی پیدا کند خودش مسوولیت پیگیری آن را دارد، اما در شرکت های دولتی وقتی این مشکل پیش آید بدهی تبدیل به بدهی دولت می شود. همچنین موضوع دیگر هدایت منابع اقتصادی در جهت مقاصد دولتی است زیرا وقتی منابع در اختیار دولت باشند در جهت مقاصد دولت که معلوم نیست لزوماً مقاصد نظام باشد جهت دهی می شود و این موضوع مربوط به دولت خاصی نیست و در تمام دنیا به همین نحو است.

از پیامدهای دیگر نامطلوب دولتگرایی عدم احساس مسوولیت در کارکنان دولت است چراکه آن ها در منافی که مجموعه دولت دارد سهیم نیستند. از جمله راهکارها در این رابطه ضرورت اصلاحات فردی در تشکیلات دولتی، الزام وزارتخانه ها و نهادهای دولتی و واگذاری وظایف غیر ضروری به بخش های غیر خصوصی، واگذاری هتل ها، مهمانسراهای نهادهای دولتی به بخش خصوصی است و در این رابطه می توان گفت مشکل ما در واگذاری به بخش خصوصی این است که در بدنه دولت و بدنه اجرایی کشور مقاومت می کنند و در تمام دولت ها به همین شکل است، اما باید بدانیم که واگذاری هتل ها به بخش خصوصی قلمی است که اگر اتفاق افتاد هیچ چرخشی از گردش بازمی ماند و خسارتی به تولید نمی خورد. از دیگر راهکارها واگذاری مدارس، درمانگاه های اختصاصی و بیمارستان ها به بخش خصوصی است که به نظر من به طور کلی باید به بخش خصوصی فروخته شود و می تواند تحولات جدی را ایجاد کند. همچنین می توان به ممنوع شدن مصرف بودجه های تحقیقاتی نهادهای دولتی در امور جاری و عمرانی اشاره کرد؛ چرا که دیده ایم بودجه با عنوانی از این قبیل صرف ساختمان سازی و... می شود ولی چیزی به نام پژوهش از آن بیرون نمی آید. در جهت اصلاحات در نظام مالیاتی می توان به محدود کردن مالیات به سود شرکت های دولتی اشاره کرد. البته شرکت های دولتی تولیدی و غیردولتی تفاوت می کنند. همچنین از دیگر اقدامات در جهت اصلاح نظام مالیاتی تخفیف به شرکت ها از پرداخت مالیات به شرطی که بار دیگر در سرمایه گذاری تولیدی بکار گرفته شود است که این موضوع می تواند از مشوق های تولید باشد. رسیدگی دقیق تر به وضعیت آموزشی تخصصی به زندگی مسوولان و دریافت مالیات در سطوح مختلف نیز در اصلاح نظام مالیاتی موثر است و برخی مسوولین مالیاتی طوری عمل می کنند که مردم از مامورین مالیاتی می ترسند! پس باید آموزش داده شود تا بدانند با مردم چگونه برخورد کنند و از دیگر موارد می توان به تاکید سریع بر مکانیزه کردن اطلاعات



رئیس دانشگاه آزاد اسلامی:

یکی از پیامدهای نامطلوب دولت گرایی کسری بودجه ناشی از زیان دهی واحدهای اقتصادی دولتی است که در این رابطه می توان گفت شرکت های خصوصی وقتی زیان می دهند خود باید تاوانش را بدهند و دولت و بیت المال مسوولیتی برای جبران آن ندارد، اما در بخش دولتی وقتی که زیان داده می شود دولت برای اینکه آن بخش تعطیل نشود از بودجه کشور استفاده می کند و این دلیل اصلی کسری بودجه به حساب می آید.

نظام مالیاتی اشاره کرد؛ چراکه اگر سیستم مکانیزه شود و دست انسان تا حدودی از آن کوتاه شود بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. رفع تبعیض مالیات های تکلیفی در بخش های دولتی و غیردولتی از دیگر امور در جهت اصلاح نظام مالیاتی است چراکه الان مالیات تکلیفی در بخش دولتی و خصوصی متفاوت است. در حالی که اگر قرار است رقابت سالم باشد تبعیض برای چیست و این تبعیض را مجلس باید در برنامه قانونی تمام کند و بگوید بین بخش خصوصی و دولتی هیچ تفاوتی در مالیات تکلیفی وجود ندارد. در زمینه کاهش وابستگی به درآمد نفت نیز باید به مواردی از جمله تلاش جهت واقعی شدن قیمت ارز در حد امکان و خارج شدن از تاثیرگذاری قیمت نفت، اختصاص درآمد نفتی به طور صرف برای سرمایه گذاری و ارایه تسهیلات به بخش خصوصی، عدم استفاده از درآمد نفت برای هزینه های جاری و یارانه ها و کاهش تدریجی صادرات نفتی و تبدیل به صادرات فرآورده های نفتی توجه کرد.

در مورد آموزش عالی غیردولتی معتقدم در کشور ما آموزش عالی غیردولتی مصداق موفق اصل ۴۴ بوده است و در حال حاضر دانشگاه آزاد اسلامی با داشتن آماری از جمله یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر دانشجو، ۲/۵ میلیون نفر فارغ التحصیل، ۳۵۰ واحد دانشگاهی، ۶۰ مرکز تحقیقاتی و... الان در بخش غیردولتی بدون بودجه ی دولتی به عنوان موفق ترین نمونه های اجرای اصل ۴۴ است که در طول ۲۶ سال جمع شده و این سرمایه متعلق به ملت است و ما یک ریال در آن سهم نداریم. ۵۰ تا ۶۰ درصد آموزش عالی کل کشور دست

این تعامل علی رغم بحران های جهانی به علت ساز و کارهایی که انجام شده از نظر اقتصادی کمترین بحران را نسبت به بسیاری از کشورها از جمله کشورهای همسایه و حوزه خلیج فارس داریم و بورس علی رغم کاهش جزو بورس های خوب دنیاست ضمن آنکه بر اساس برنامه واگذاری ها پیش می رویم. ۱۱ شرکت را قبلاً آگهی کردیم و مزایده ۱۱ شرکت برگزار می شود و برندگان آن را اعلام می کنیم. همچنین ۲ شرکت جدید آگهی شده و ۱۵ شرکت نیز در حال آگهی داریم که هم مزایده ای و هم بورسی است.

از رسانه ها تقاضا دارم که بازار را آرامش دهند و هیچ اتفاق خاصی در کشور ما به وجود نیامده است و فرصت خوبی است که هم بخش خصوصی و تعاونی به صحنه بیایند و از این فرصت استفاده کنند که سهام شرکت ها را مناسب تر خریداری کنند و سازمان خصوصی سازی هم آماده همکاری با فعالان اقتصادی کشور است. در این مجموعه ۲۰ شرکتی سیمان سیاهان، روغن نباتی شیراز، افاند، مدیریت آب سد کرخه و سد دز و غیره وجود دارند.

سیاست های کلی به سه بخش تقسیم می شوند که به سرمایه گذاری ها و توسعه معادن و نیز واگذاری ها می پردازد که در بخش واگذاری ها چون از قبل قوانین برنامه سوم و چهارم بوده واگذاری ها تدویم داشته و منتظر قانون جدید نبودیم وسیع کردیم پاره ای از آیین نامه ها را مثل آیین نامه قیمت گذاری، نظام اقساطی، تخفیفات سازمان خصوصی سازی و غیره را به لایحه مطرح شده در مجلس تطبیق دادیم واز یکسال قبل به پیشواز قانون رفتیم.

۲۰ آیین نامه مد نظر قانون نیز آماده است و ۱۱ گروه کاری در این زمینه فعالیت کردند و در راستای اصل ۴۴ که شرکت های خارج از صدر اصل ۴۴ باید تا پایان برنامه چهارم (سال آینده) این گروه را سرعت دادیم و شرکت های بزرگ و صنایع مادر که صدر اصل ۴۴ هستند تا پایان سال ۹۳ مهلت دارند.

بخش دیگر سیاست ها به سرمایه گذاری ها، تعیین جدید قلمروها در دولت، لغو امتیازات دولتی، رقابتی کردن بازارها، توانمندسازی بخش خصوصی و تخفیفات مالیاتی و بیمه، تاسیس بانک توسعه تعاون و صندوق ضمانت تعاونی ها و غیره مربوط است که نیاز به قانون دارند. دولت ابزارهای قانونی اجرای این مواد را تاکنون نداشته اینکه دولت باید تمام امتیازات بنگاه ها و شرکت های دولتی را لغو کند و امتیازات پس از این با اولویت بخش خصوصی است و حتی دولت از قیمت گذاری منع شده است.

ادامه دارد...